

صنایع فرهنگی؛ پشتیبان و پیشران گفتمان انقلاب اسلامی^۱

سیدمحمدصادق مرکبی^۲؛ سعید دهقان نیری^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

چکیده

امروز صنایع فرهنگی از جمله مهم‌ترین صنایع پیشران و خلاق در جهان هستند. صنایعی که نقش ارزش‌مندی در انتقال معانی و مفاهیم فرهنگی جوامع معاصر دارند. هدف در این پژوهش بررسی نقش صنایع فرهنگی در پشتیبانی و پیشرانی نظام جمهوری اسلامی ایران در تعاطی با ارزش‌های اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی است که با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و الگوی بدیع منظومه تکاملی مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های اصلی در این پژوهش با استفاده از داده‌های قابل اعتناء از منابع مطالعاتی مختلف و مبنای فکری مقام معظم رهبری و نظرات برخی صاحب‌نظران و فعالان عرصه صنایع فرهنگی مبتنی بر الگوی منظومه تکاملی به‌دست آمده که در ابتداء محتواى هر یک از ابعاد الگو واکاوی و ادبیات نظری مربوطه برگرفته از پیشینه‌ها و منابع مطالعاتی مختلف گردآوری شده است، و سپس ضمن تحلیل و بررسی نهایی، نتیجه‌گیری مؤثر از رهیافت موضوع ارائه شده است. اصول و شاخص‌های محوری صنایع فرهنگی در قالب اصول ۱۵ گانه و شاخص‌های ۱۳۲ گانه تجویزی و تحذیری؛ شامل باید‌ها و نبایدها در حوزه صنایع فرهنگی پیشران گفتمان انقلاب اسلامی، از یافته‌های این پژوهش است. نتایج نشان می‌دهد هر چقدر گستره تولید و توزیع صنایع فرهنگی و خلاق بر مبنای راهبردهای ۵ گانه انطباق، مشارکت، مردمی‌بودن، نوآور و دانش‌بنیان، و ملهم از ارزش‌های اسلامی، انقلابی و منویات امامین انقلاب اسلامی با محوریت اصول و شاخص‌های تولید شده باشد، به همان اندازه ترویج گفتمان انقلاب اسلامی نیز تسهیل شده و صدور انقلاب اسلامی نیز روندی جهانی و مانا تر خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی

صنایع فرهنگی، گفتمان انقلاب اسلامی، صنایع خلاق، الگوی منظومه تکاملی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. استادیار گروه تلویزیون، دانشکده تولید رادیو و تلویزیون، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

morakabi@iribu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت راهبردی و فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی،

saeed.dn.1357@gmail.com

تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

مقدمه و طرح مساله

گفتمان‌ها به مثابه چارچوب فکری یک نظام در طی طریق به سمت آینده‌ای مرجح و مطلوب، نقش به سزائی دارند. از همین‌رو تداوم و پویائی گفتمان انقلاب اسلامی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت تحقق‌یافتن خویشتن‌یابی «نظام جمهوری اسلامی» دارد. صنایع فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از محصولات و خدمات فرهنگی در غنابخشی به حیات فرهنگی و اعتقادی جامعه اسلامی ایران نقشی بی‌بدیل دارند و می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین پشتیبان‌ها و پیشران‌های گفتمان انقلاب اسلامی و ابزاری ارزنده در ترویج و گسترش مبانی فکری و اندیشه الهی انقلاب اسلامی کاربرد ویژه داشته باشند. از سویی دیگر با توجه به آن‌که صنایع فرهنگی مناسب‌ترین شیوه برای انتقال و گسترش فرهنگ ملت‌ها و اقوام است، لذا در هم آمیختگی این صنعت با حوزه فرهنگ، خطر ترویج فرهنگ کاذب و بی‌مایگی فرهنگی و عامی‌گری فرهنگی را به همراه دارد. پس در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و در رویارویی با جبهه معاند و تهدیدزای غرب، صنایع فرهنگی بومی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شاخص‌های انقلابی، می‌تواند به عنوان پیشران گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش و تعمیق آن، چه در محیط داخل و چه خارج، نقش مهمی ایفاء کند. بر همین اساس؛ سؤال اصلی پژوهش این است که چرا علی‌رغم اهمیت و نقش صنایع فرهنگی در بسط و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی، این نقش و اهمیت به طور جدی از سوی متولیان و مجریان فرهنگ کشور مورد توجه و تأکید قرار نمی‌گیرد. تا جائی‌که در مراحل، نادیده‌انگاری کاربردهای مهم صنایع فرهنگی به عنوان پیشران مؤثر در گسترش گفتمان انقلاب اسلامی، ضعف عملکردی و عملیاتی جبهه فرهنگی انقلاب را در مواجهه با تهاجم فرهنگی دشمن به دنبال داشته است. لذا هدف و محور اصلی در این مقاله که به آن پرداخته شده است؛ شناسایی نقش پیشرانی و پشتیبانی صنایع فرهنگی در گسترش گفتمان انقلاب اسلامی است.

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

الف) صنایع فرهنگی: امروزه صنایع فرهنگی در جهان دارای اهمیت راهبردی است و ابزار توسعه اقتصادی و قدرت فرهنگی محسوب می‌شود. کشورهایی که به اهمیت راهبردی صنایع فرهنگی پی برده و آن را تقویت کرده‌اند، اکنون از نظر اقتصادی و فرهنگی، به توان‌مندی‌هایی دست یافته‌اند، و جامعه‌هایی که صنایع فرهنگی بومی و درون‌زای فراگیری ندارند، به همان اندازه در معرض مصرف محصولات و محتواهای فرهنگی بیگانه و مهاجم هستند. صنایع فرهنگی؛ تجلی تعامل عرصه‌های اقتصاد و فرهنگ است، و یا به عبارتی «صنایع فرهنگی» نتیجهٔ مداخله و ورود مؤثر فرهنگ به حوزهٔ اقتصاد است. لذا در ادبیات اقتصادی جهان نیز فرهنگ یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی محسوب می‌شود و الگوی تولید، توزیع و مصرف در صنایع فرهنگی موضوعی مهم و دارای اهمیت ویژه‌ای است. طبق تعاریف رایج در دنیا، صنایع فرهنگی محصول بنگاه‌هایی است که برای آحاد مردم، اطلاعات و سرگرمی‌های آموزشی، علمی و فرهنگی، در قالب‌های مختلف تکثیرشدنی، طراحی و تهیه می‌کنند، و هدف صنایع فرهنگی را مفهوم‌سازی، هماهنگ‌سازی، تولید، توزیع و تجارت کالاهای فرهنگی در قالب‌ها و ساختارهای صنعت‌مدار مختلف برمی‌شمارند. در این میان و با نگاهی صرفاً مادی و تجاری؛ آنکتادا نیز هر نوع فعالیتی که دارای یک مؤلفهٔ هنری قوی باشد، و هر نوع فعالیت اقتصادی که فرآوردهٔ نمادین تولید کند و به مقولهٔ مالکیت معنوی وابسته باشد و برای تصاحب بازاری بزرگ انجام شود، در گسترهٔ صنایع فرهنگی و خلاق جای داده است (UNCTAD ۲۰۰۸). طبقه‌بندی چهارگانهٔ آنکتاد به شرح زیر، در حالی پایه و شاخص مورد اتفاق جهانی در خصوص مختصات صنایع فرهنگی و خلاق است، که خبری از مضامین و مراتب متعالی فرهنگ اسلام در آن به چشم نمی‌خورد و در نتیجه نمی‌تواند قابل اتکاء در پیشرانی و پشتیبانی صنایع فرهنگی ما از گفتمان انقلاب اسلامی باشد.

۱ آنکتاد (۱۹۶۴) شاخه فرعی مجمع عمومی سازمان ملل است و هدفش را هم‌سویی کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی اعلام کرده است.

جدول ۱- طبقه‌بندی آنکتاد از صنایع فرهنگی و خلاق

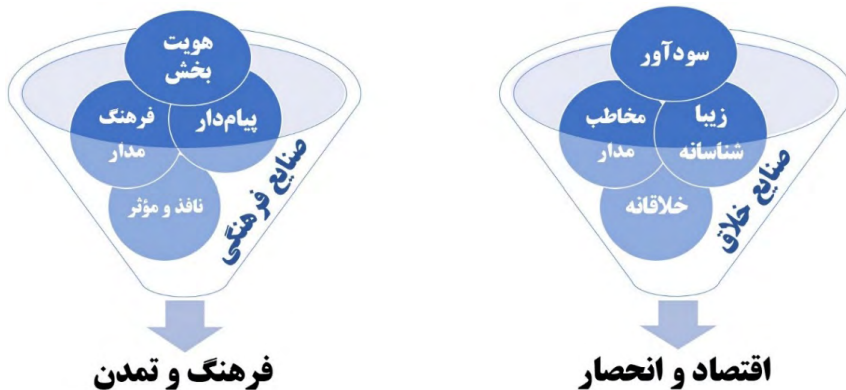
طبقه	زمینه	مصادیق
میراث فرهنگی	تجلیات فرهنگی سنتی	صنایع دستی، اعیاد و جشن‌های ملی، قومی و آیینی
	مکان‌های فرهنگی	مکان‌های باستانی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، نمایشگاه‌ها و بوستان‌ها
هنرها (آثار هنری)	هنرهای تجسمی	نقاشی، مجسمه‌سازی، عتیقه‌جات و عکاسی
	هنرهای نمایشی	هنرهای آئینی و محلی، نمایش عروسکی، موسیقی زنده، تئاتر، سیرک، تماشاخانه
رسانه‌ها	نشر و رسانه‌های چاپی	کتاب، نشریات و مطبوعات
	سمعی بصری	فیلم، و رسانه‌های دیداری و شنیداری
آفرینش‌های کاربردی	طراحی	طراحی داخلی، گرافیک، مد، جواهرآلات و اسباب بازی‌ها
	رسانه‌های جدید	نرم‌افزار، بازی‌های ویدیویی و محتوای دیجیتال‌شدهٔ خلاق
	خدمات خلاق	معماری، تبلیغات، پژوهش و تحقیق خلاق در زمینه‌های فرهنگی و دیگر خدمات خلاق مرتبط دیجیتالی و غیر آن

ب) گفتمان انقلاب اسلامی: "گفتمان اصلی انقلاب، پیشرفت و عدالت است؛ پیشرفت در همهٔ ابعاد علمی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی، و عدالت همه‌جانبه در توزیع فرصت‌ها و امکانات مادی و معنوی" (مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۳/۷). "این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز هم پیشرفته‌تر شد؛ این می‌شود الگو. این الگوسازی یک «گفتمانی» را به وجود می‌آورد که آن، گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است" (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های اسلامی و مدرن حول دال مرکزی حکومت اسلامی با ابتدای بر ولایت فقیه است که در قالب پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم است. در این گفتمان، مفاهیمی چون ولایت فقیه، حکومت اسلامی (مردم‌سالاری دینی)، اشتغال دین بر سیاست (تقابل با سکولاریسم)، اجرای شریعت در جامعه، امت‌گرایی اسلامی (وحدت اسلامی)، دفاع از آرمان فلسطین و مبارزه با استکبار جهانی، به تدریج برجسته گردید و منظومه

گفتمانی در غیریت‌سازی با سلطه غرب را شکل داده است (نباتیان، ۱۴۰۰: ۱۰). از نشانه‌های بنیادی گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوریت و مردم‌سالاری است. گفتمان انقلاب اسلامی مدرنیته را به طور کامل نفی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد از دستاوردهای آن که با اسلام سیاسی تضادی ندارد، بهره‌گیرد. مردم‌سالاری دینی ناظر بر الگویی از حکمرانی است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده و حاکم در چارچوب مقررات الهی، حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۲: ۶۹). دال مهم دیگر گفتمان انقلاب اسلامی، عقل‌گرایی است. این گفتمان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسلام شیعی و اجتهاد، برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل است. عقل اجتهادی با به دست آوردن ملاک‌های مصالح و مفاسد قوانین، نسبت به ثبات و تغییر احکام شرعی و نقش مقتضیات زمان نظر می‌دهد و با اثبات تغییر ملاک حکمی، حکم نیز دچار تغییر می‌شود. (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۸۵) گفتمان انقلاب اسلامی با استمداد از عقل‌گرایی، متغیرات را براساس ثابتات بررسی و احکام آن‌ها را استنباط می‌کند. به همین دلیل، در برابر مسائل نوپیدا متوقف نمی‌شود و در مسیر حرکت انقلابی و نظام‌سازی، در مواجهه با مسائل مختلف، ملاحظات عقلی و مصالح جامعه و مقتضیات زمان را مدنظر می‌گیرد. "این گفتمان؛ نظریه اجتماعی جامع و کارآمدی است که بر اساس مبانی فلسفی و اعتقادی انقلاب اسلامی، در راستای تحول مثبت و همه‌جانبه جوامع بشری در دوران معاصر، راهبردهای روشنی را ارائه می‌دهد که کاملاً با راهبردهای مبتنی بر گفتمان دوران مدرنیته، متفاوت است. آرمان‌ها، پیام‌ها و راهبردهای اساسی که گفتمان انقلاب اسلامی برای حل بحران‌های جهانی مطرح می‌کند و اصول و ارزش‌های اسلامی ناظر به خلأهای اقتصادی، برابری حقوق ملت‌ها در تعاملات بین‌المللی، معنویت‌گرایی، خردورزی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی حقیقی و مسؤولانه، خدمت به مردم و به ویژه توده‌های مظلوم و مستضعف، از آرمان‌ها و پیام‌های اصلی «گفتمان انقلاب اسلامی» است" (ذوعلم، ۱۳۹۳).

ج) صنایع خلاق: صنایع خلاق ریشه در دهه ۱۹۹۰ دارد و اولین بار در سطح ملی توسط دولت‌های اروپایی مورد استفاده قرار گرفت. مظاهر فرهنگی و هنرهایی که تا حدی توسط دولت‌ها حمایت می‌شدند، تمایل داشتند تا به عنوان عنصری اصلی

در فعالیت‌های اقتصادی دیده شوند. به نظر کارشناسان، «صنایع خلاق» مؤلفه‌های مهم اقتصادهای دانش‌بنیان شده‌اند و در موارد قابل اندازه‌گیری، در زمینه‌های رشد و ایجاد شغل، سهمی بالاتر از متوسط را به خود اختصاص داده‌اند. آن‌ها همچنین وسایل انتقال هویت فرهنگی هستند که نقش مهمی در رونق‌بخشی به تنوع فرهنگی بازی می‌کنند. به همین دلیل طی دهه گذشته، تعدادی از کشورها در جهان به اهمیت صنایع خلاق پی برده و تدوین سیاست‌هایی برای ترویج آن‌ها را آغاز کرده‌اند. لازم به توضیح است که معمولاً تفاوت زیادی بین مقوله صنایع فرهنگی و صنایع خلاق قائل نمی‌شوند؛ اما در این پژوهش رویکرد اصلی و تأکید بر محور «صنایع فرهنگی» است، چرا که تناسب معنایی و مفهومی بین صنایع فرهنگی و گفتمان انقلاب اسلامی از جهت تأکید بر محتوا و پیام با رویکرد ذهنی و پژوهشی مورد نظر در این مقاله که یک رویکرد محتوایی و مبتنی بر فرهنگ و پیام‌محوری است، نزدیک‌تر است. به طور کلی صنایع خلاق بر محور اقتصاد و سودآوری و صنایع فرهنگی بر محور فرهنگ و هویت‌بخشی فرهنگی بنا شده است. در شکل زیر تفاوت محوری این دو حوزه بیان شده است:



شکل ۱ - تفاوت محوری و رویکردی صنایع خلاق و صنایع فرهنگی

یافته‌های اقتباسی از پژوهش‌های پیشین

نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام شده نشان داده است که اگر صنایع فرهنگی، متناسب با نیاز مخاطبان خود به تولید کالاها و خدمات فرهنگی بپردازند،

صنایع فرهنگی؛ پشتیبان و پیشران گفتمان انقلاب اسلامی

خواهند توانست باعث افزایش مصرف فرهنگی و تولید سرمایه‌های فرهنگی و بالطبع، ارتقای سرمایه فرهنگی در جوامع شوند.

الف) پوررجبی، میرزائی و بداللهی‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای برنامه‌ریزی صنایع فرهنگی بومی؛ رویکردها، اصول، و الگو»، الگویی بومی برای ترویج صنایع فرهنگی ارائه نمودند و با توجه به ۳۵ مصاحبه عمیق با متخصصان و کارشناسان ارشد حوزه فرهنگ، ۴ شاخص و مقوله اصلی شناسایی شده که عبارتند از: گسترش گفتمان انقلاب اسلامی، پویایی اقتصاد شهری، مردمی بودن، مشارکتی بودن.

ب) قاضی‌نوری و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری با عنوان «شناسایی و تحلیل رویکردهای موجود و مطلوب در صنایع فرهنگی کشور براساس دیدگاه‌های ذینفعان» رویکرد غالب بر صنایع فرهنگی کشور را رویکرد غیراقتصادی و نظارتی دانستند و معتقدند که در وضع مطلوب در این حوزه باید جایگاه و نقش اقتصادی صنایع فرهنگی تقویت شود.

ج) قلعه‌نویی و خان‌محمدی (۱۳۹۴) در مقاله «بازآفرینی شهری از طریق تبیین محله‌های فرهنگی برای حضور در صنایع خلاق»، ظرفیت‌های فرهنگ و صنایع فرهنگی در بازآفرینی شهر را با رویکردی کالبدی بررسی کرده‌اند.

د) نظری‌زاده و میرشاه‌ولایتی (۱۳۹۴) در مقاله «مدل نظام نوآوری محصولات فرهنگی» در پی ارائه نظام نوآوری و تولید محصولات فرهنگی بوده است. در این نظام پیشنهادی، مواردی مانند یکپارچه‌سازی سیاستی و اولویت‌بندی محصولات وجود دارد، اما این پیشنهادها بسیار کلی و فاقد توضیحات کافی هستند. همچنین در این مقاله به صنایع فرهنگی بومی اشاره‌ای نشده است.

جمع‌بندی پیشینه‌ها و نوآوری پژوهش حاضر

در پیشینه‌های مورد بررسی، هر یک از محققان از زاویه‌ای خاص به موضوع صنایع فرهنگی کشور اشاره داشته‌اند. برخی رویکرد فرهنگی و برخی سایر رویکردهای اجتماعی و اقتصادی را بر صنایع فرهنگی بار می‌کنند و لذا بر مبنای همین رویکردها به تحلیل وضعیت صنایع فرهنگی در جامعه ایران پرداخته‌اند. نوع ادبیات و

مفهوم‌شناسی صورت گرفته در هر کدام از پیشینه‌های بررسی شده به محقق در نگارش ادبیات موضوع و مدل مفهومی کمک زیادی کرده است. اما نوآوری این پژوهش در مقایسه با پیشینه‌های اشاره شده در نوع شکل‌گیری نگاه محقق به موضوع صنایع فرهنگی به عنوان پیشران و پشتیبان گفتمان انقلاب اسلامی است که در درجهٔ نخست، رویکرد فرهنگی را در نظر گرفته و در ادامه به همراهی رویکرد اقتصادی نیز توجه و تأکید کرده است. تبیین رابطهٔ معنایی و تبلیغی صنایع فرهنگی و قابلیت بهره‌مندی از آن برای گفتمان‌سازی در انقلاب اسلامی، نوآوری ویژه این پژوهش است که سعی شده است با احصاء اصول و شاخص‌های منبعث از مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، سهم و تأثیر پیشرانی و پشتیبانی صنایع فرهنگی، در ترویج و تبلیغ فرهنگی گفتمان انقلاب اسلامی بیان شود.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و الگوی منظومهٔ تکاملی (پیروزمند و جهانبخش، ۱۴۰۲) نقش پشتیبانی و پیشرانی صنایع فرهنگی در گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای دست‌یابی به شاخص‌های اخلاقی و ارزشی صنایع و محصولات فرهنگی نیز محقق از روش داده بنیاد کمک گرفته است. با توجه به نبودن الگوی منظومهٔ تکاملی، توضیحاتی در ادامه بیان می‌شود:

الف) الگوی منظومه تکاملی

الگوی مفهومی تکامل آفرین؛ الگویی جدید در نگاشت موضوعی مسایل و موضوعات مختلف در قالب یک منظومه فکری منسجم می‌باشد. درحوزه صنایع فرهنگی نیز مبتنی بر همین مدل با بررسی محورهای مطالعاتی (اسناد کتابخانه‌ای، مقالات، فیش برداری از کتب و...) و سپس با جانمایی لازم اجزاء و عناصر مدل به صورت تفکیکی شامل: مبانی؛ اهداف؛ محیط شناسی؛ پیشران‌ها و نگاشت نهادی، می‌توان الگو را تعیین و تحلیل لازم ارایه نمود. این الگو در توصیف و تحلیل موضوع، کمک شایانی به محقق خواهد کرد. برای استفاده از روش الگوی منظومه

تکاملی، ابتداء محتوای هر یک از ابعاد آن واکاوی و ادبیات نظری مربوطه برگرفته از یافته‌ها و منابع مطالعاتی گردآوری و سپس ضمن تحلیل و بررسی نهایی، نتیجه گیری موثر از رهیافت موضوع مورد پژوهش بیان می‌گردد.

ب) توصیف ابعاد الگوی تکاملی:

جدول ۲ - ابعاد الگوی منظومه تکاملی

به چه منظوری؟	چگونه؟					برچه اساسی؟
	توسط چه کسی؟	چه کاری؟	در چه محیطی؟	از چه طریقی؟	در چه موضوعی؟	
آرمان						تکیه‌گاه
چشم‌انداز						خاستگاه
مطلوب	نگاشت نهادی	راهبرد نگاری (اقدام و فعالیت)	وضعیت‌شناسی محیط داخلی و خارجی	پیش‌ران‌های حرکت و تغییر	بیان‌گر عرصه‌های پیشرفت	اصول مفروض
هدف	(نقش‌پذیران)					مبداء فکری

۱. بر چه اساسی؟ خاستگاه (مبانی و مبادی): در این بخش از الگو، مبانی و مبادی اصلی مرتبط با موضوع احصاء و نگاشت می‌شود. منظور از مبانی و مبادی همان اصول ارزشی و محوری حاکم بر صنایع فرهنگی و انقلاب اسلامی است که از منویات امامین انقلاب و همچنین برخی منابع دینی و روایی قابل استخراج است.

۲. در چه موضوعی؟ (عرصه‌های پیشرفت): در این بخش، به عرصه‌های پیشرفت انقلاب اسلامی و صنایع فرهنگی اشاره می‌شود. یکی از محورهای مهم در این بخش، بررسی تطابق پیشرفت صنایع فرهنگی با میزان پیشرفت انقلاب اسلامی است. از آنجائیکه موضوع اصلی در این پژوهش و دال مرکزی آن فرهنگ است؛ لذا در این بخش از مدل تکاملی صرفاً به بیان دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی و دال‌های فرهنگی آن مبتنی بر صنایع فرهنگی نسبت به قبل از انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

۳. از چه طریقی؟ (پیشران‌های حرکت): در این قسمت، به پیشران‌های حرکتی در صنایع فرهنگی و انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. منظور از پیشران‌ها، مجموعه عواملی است که موجب حرکت و پیشروندگی حوزه صنایع فرهنگی و انقلاب اسلامی و نتیجتاً، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی می‌گردد.

۴. در چه محیطی؟ (وضعیت‌شناسی): در این بخش به وضعیت شناسی حوزه صنایع فرهنگی و نسبت آن با ترویج گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. در واقع در این بخش از مدل، سعی خواهد شد تا ضمن احصاء فرصت‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها و تهدیدهای حوزه صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، زمینه سازی لازم برای احصاء راهبردهای اساسی ترویج گفتمان انقلاب اسلامی از طریق صنایع فرهنگی و همچنین تجزیه تحلیل مناسب صورت گیرد.

۵. چه کاری؟ (راهبردها و اقدامات اساسی): در این بخش پس از محیط شناسی لازم، راهبردهای موثر در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی از طریق صنایع فرهنگی بیان می‌گردد.

۶. چه کسی؟ (نگاشت نهادی): در این بخش از الگو، نقش آفرینان و افراد و نهادهایی که در حوزه صنایع فرهنگی و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی موثر هستند و نقش پذیری دارند؛ بیان می‌گردد.

۷. به چه منظور؟ (مطلوب و هدف/ چشم‌انداز و آرمان): پس از بیان نقش پذیران و احصاء راهبردهای موثر در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی از طریق نقش پیشرانی صنایع فرهنگی، آرمان و نقطه مطلوب این پیشرانی و پشتیبانی بیان می‌شود. در واقع در این بخش از مدل، پیامدهای ناشی از تاثیر نقش پیشرانی صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی توصیف می‌گردد. اینکه وقتی چنین نسبت و رابطه‌ای برقرار شود چه وضعیت مطلوبی حاصل می‌شود و اینجاست که نقش صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی بیش از پیش مشخص خواهد شد.

یافته‌های پژوهش بر اساس الگوی تکاملی

یافته‌های این پژوهش، با استفاده از الگوی منظومه تکاملی برای تولید محتوای مورد نیاز مرتبط با موضوع به دست می‌آید که محتوای هر یک از ابعاد این الگو واکاوی و ادبیات نظری مربوطه، برگرفته از اسناد و منابع مطالعاتی مختلف گردآوری و سپس ضمن تحلیل و بررسی نهایی، نتیجه گیری موثر از رهیافت موضوع مورد پژوهش بیان می‌گردد.

الف) برچه اساسی (اصول مفروض و مبانی): مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام اسلامی در شهریور ۱۳۹۱ به اصول و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی اشاره و بر لزوم حفظ و تقویت آن تأکید کرده‌اند. این اصول و مبانی عبارتند از: ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، سلطه‌ستیزی، یگانه‌ستیزی، استبدادستیزی، افتخار به انقلابی‌گری، عدالت‌طلبی، دوری از تجمل‌گرایی، اجتناب از اشرافی‌گری، نفی استعمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحی‌گری، دفاع از مظلومان جهان، فتح قله‌های دانش، کرامت انسان، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل دشمن، ایمان، استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها.

بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملی خود افتخار می‌کنند؛ فرهنگ‌هایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را به خوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنی نبوده است، اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آن‌ها درحالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست (مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۹/۸). از آن‌جا که شایسته است پیام اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی را به جهان صادر کرد. صنایع فرهنگی، مناسب‌ترین محمل برای گسترش و ترویج این پیام و ارزش‌های انقلاب اسلامی در داخل و

خارج کشور است؛ از این رو واکاوی صنایع فرهنگی بومی بحثی است که می‌تواند گره از مشکلات فراوانی بگشاید. مقصود از صنایع فرهنگی بومی، صنایع فرهنگی‌ای است که جهت‌گیری اسلامی، ایرانی و انقلابی داشته باشد. برای استقرار، گسترش و ترویج ارزش‌های فرهنگی و اصول و مبانی ارزشی گفتمان انقلاب اسلامی، «صنایع فرهنگی» قالب و شیوه بسیار مناسب و بی‌بدیلی است که به‌وسیله آن می‌توان این گفتمان را ترویج و تبلیغ کرد.

ب) در چه موضوعی؟ (عرصه‌های پیشرفت): به‌طور طبیعی آن‌چه را که از طریق صنایع فرهنگی باید مورد تاکید و ترویج قرار گیرد، دستاوردها و عرصه‌های مهم پیشرفت انقلاب اسلامی است و این دستاوردها که منبعث بر ارزش‌ها و تعالیم عمیق اسلام است، عرصه‌های پیشرفت انقلاب را شکل می‌دهند و دارای گستردگی و شمولیت فراوانی است. اما از آن‌جائی‌که موضوع اصلی در این پژوهش و دال مرکزی آن «فرهنگ» است؛ بنابراین در این بخش از مدل تکاملی صرفاً به بیان برخی عناوین دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی و دال‌های فرهنگی آن مبتنی بر «صنایع فرهنگی» بسنده می‌شود. موارد و دستاوردهایی هم‌چون؛ انقلاب فرهنگی، مطبوعات و کتاب، صدا و سیما، هنر و ادبیات، و توجه به فرهنگ دینی از آن جمله است. علاوه بر آثار فرهنگی داخلی یادشده، انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای کشور نیز آثار فرهنگی برجسته‌ای داشت که از جمله می‌توان از مواردی مانند؛ تحقق شعارهای گفتمانی انقلاب اسلامی در بیرون از مرزهای کشور، و احیای ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی در سایرکشورهای مسلمان یاد کرد.

ج) از چه طریقی؟ (پیشران‌های حرکت و ایجاد تغییر): پیشران‌های مهم حرکت و ایجاد تغییر از دو منظر قابل ارایه است. اول پیشران‌های حرکت و تغییر در صنایع فرهنگی است که طبیعتاً ارتباطی مستقیم با پیشران‌های گفتمانی انقلاب اسلامی دارد و دوم پیشران‌هایی که در صدور و ترویج مبانی گفتمان انقلاب اسلامی نقش برجسته دارد و صنایع فرهنگی نیز به عنوان یکی از این پیشران‌ها در حوزه فرهنگی محسوب می‌شود.

۱. پیشران‌های تغییر و تحول در صنایع فرهنگی:

۱. اشتغال‌زایی و صنایع فرهنگی

یکی از مزیت‌های رقابتی صنایع فرهنگی را می‌توان تاب‌آوری این صنعت در رویارویی با بحران‌های اقتصادی دانست. از این رو، نقش راهبردی صنایع فرهنگی را می‌توان در آینده اقتصاد ایران، از دو منظر ایجاد ارزش افزوده باثبات و اشتغال‌زایی نسل جوان، بی‌بدیل دانست و برای آینده این بخش در ایران، چاره‌اندیشی کرد.

۲. فضای سایبر؛ پیشران صنایع فرهنگی

آینده ایران، همچون دیگر کشورهای جهان، در قلمرو تحولات گسترده ناشی از فضای سایبر است که بی‌تردید تأثیر فزاینده آن بر بخش‌های راهبردی کشور همچون اقتصاد، جامعه و نیز فرهنگ چشمگیر خواهد بود. یکی از پیشران‌های آینده صنایع فرهنگی همچون دیگر بخش‌های راهبردی جامعه ایرانی، دیجیتالی شدن است که انقلاب عظیمی در زیست‌بوم خلاقیت و آفرینش هنری پدید آورده است. هم‌اکنون صنایع فرهنگی با درآمیختن محتواهای پرارزش و جذاب به فناوری‌های نوین ارتباطی، مدل‌های جدیدی از کسب‌وکار و خدمات را ایجاد کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد با افزایش استفاده از اینترنت همراه که با گسترش گوشی‌های هوشمند، در حال همه‌گیر شدن است، دیجیتالی شدن را یکی از مهمترین پیشران‌های صنایع فرهنگی ساخته است.

۳. دولت و پاسداشت مالکیت معنوی

یکی دیگر از پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده صنایع فرهنگی، دستیابی به سازوکاری برای ارزش‌گذاری و پاسداشت کالاها و خدمات خلاقانه فرهنگی است. در زنجیره اقتصادی تولید تا مصرف کالاها و خدمات فرهنگی، هم‌اکنون تولیدکننده محتوا، کمترین سودآوری از خلاقیت هنری به دست می‌آورد و بیشترین بهره را فعالان اینترنتی، توزیع‌کنندگان و صاحبان موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، گالری‌ها و سالن‌های نمایش می‌برند. هرچه نسبت سودآوری تولیدکننده و توزیع‌کننده کاهش یابد، احتمال پدید آمدن کالا یا خدمات چشم‌گیر و مؤثر در این حوزه کمتر می‌شود.

۲. پیشران‌های گفتمان‌ساز انقلاب اسلامی:

نگاهی به دستاوردهای انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هر کجا حمایت و عزم ملی در قالب یک گفتمان شکل گرفته است، اهداف انقلابی به بهترین وجه تحقق یافته‌اند. این‌ها همان پیشران‌هایی هستند که تا کنون در بسط و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی تاثیرگذار بوده‌اند. پیشران‌هایی مانند: استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های استعمارگر، بازبانی اعتماد به نفس و غرور ملی، ایستادگی بر روی اصول و آرمان‌های انقلاب، فرهنگ دفاعی، علم و فناوری، مدیریت خردورزانه و عمل‌گرایانه، و سرمایه‌های اجتماعی جوان متخصص و متعهد.

د) در چه محیطی؟ (وضعیت‌شناسی): در این بخش از الگوی تکاملی به چالش‌های اساسی حوزه صنایع فرهنگی کشور پرداخته می‌شود و به تبع آن به چالش‌های گفتمان‌سازی در این عرصه نیز اشاره می‌شود. برخی‌ها چالش اقتصادی را مهم می‌شمارند و معتقدند: چالش اقتصادی یعنی این‌که عمده محصولات صنایع فرهنگی با مشکلات پولی و مادی مواجه هستند و حتی نمی‌توانند روی این زمینه‌ها مانور بدهند و رشد کنند و در کل وابسته به کمک‌های دولت هستند. فرقی نمی‌کند که مطبوعات باشد، و یا کتاب و تئاتر باشد. فرض کنیم یک کتاب خوب را ناشر چاپ می‌کند و کتاب تیراژ کمی دارد و سودآوری خاصی برای ناشر و یا نویسنده ندارد، بنابراین یکی از چالش‌های جدی، چالش اقتصادی است و در واقع ریسک‌پذیری را در عرصه فرهنگی برای سرمایه‌گذاری‌ها زیاد می‌کند و به‌طور معمول بخش خصوصی قائل به سرمایه‌گذاری در این بخش نیست.

برخی فعالان حوزه صنایع فرهنگی نیز به چالش‌های دیگری از جمله قاچاق کالاهای فرهنگی، نادیده‌گرفتن حق تألیف و چاپ، و سرقت‌های علمی اشاره دارند. مثلاً فیلم‌سازی که اثری را با تلاش و هزینه بالایی ساخته، و فیلم که در حال اکران است، نسخه‌های کپی در بازار پخش می‌شود. که این اختلال در عرصه صنایع فرهنگی می‌تواند ضربه جدی به تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی وارد کند. چالش دیگر سیاست تمرکزگرایی فرهنگی در این عرصه است که آثار و محصولات فرهنگی چگونه نظارت و کنترل می‌شوند و طبق چه فرایندی اجازه تکثیر

و انتشار می‌یابند. چالش دیگر به خاطر گسترش کمی و کیفی رسانه‌های ارتباطی ماهواره‌ای، اینترنتی، و چاپی در سطح فراملی است. در واقع بعضی از محصولات فرهنگی وارد رقابت نابرابر کمی جهانی می‌شوند، و باید دید در مقابل آن‌ها که دارای امکانات زیادی هستند، چقدر مراکز و محصولات فرهنگی و هنری ما می‌توانید رقابت کنند؟

به همین دلیل در عرصه کالاهای و محصولات فرهنگی فراملی، آثار سینمایی، مجلات، رمان و داستان، چالش‌های جدی فرهنگی برای تولیدکنندگان فرهنگی و هنری وجود دارد و شاید به خاطر کمبود امکانات و فرصت‌های فعالیت فناورانه و ارتباطی جدید، چندان فرصت رقابت برابری با آن‌ها به لحاظ ظاهری فراهم نیست. براین اساس، سیاست‌گذاری کارآمد در زمینه صنایع فرهنگی برای کشور یک ضرورت به شمار می‌آید، زیرا صنایع فرهنگی، یکی از مناسب‌ترین عرصه‌ها برای گسترش و تبلیغ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور است؛ بنابراین، با تمهید و فعال‌سازی این صنایع می‌توان فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و بومی جامعه را گسترش و تعالی بخشید. هم‌چنین رشد و ارتقای صنایع فرهنگی می‌تواند به رشد اقتصادی کشور نیز کمک چشم‌گیری کند.

ه) چه کاری؟ (راهبردها و اقدامات اساسی): انقلاب اسلامی به عنوان تحولی بنیادین در هندسه سیاست‌های داخلی و بومی، در منظومه‌ای بینشی، نگرشی و کنشی ریشه داشته که با عنوان «گفتمان انقلاب اسلامی» شکل گرفته و قابلیت استمرار می‌یابد؛ ازاین‌رو گسترش این گفتمان، به مثابه آب حیات در شریان‌های فرهنگی کشور است. بدیهی است که توسعه و پیشرفت این گفتمان، نیازمند بسط فرهنگ اسلامی ایرانی نهفته در آن است که مسیر آن از شاهراه صنایع فرهنگی بومی می‌گذرد. برای طی طریق در این مسیر، راهبردها و اقدامات محوری دارای اولویت در تولید صنایع فرهنگی بومی، بر اساس مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته به قرار زیر است:

۱. راهبرد مردمی‌بودن: صنایع فرهنگی در ایران در بعضی زمینه‌ها به صنعتی اشرافی تبدیل شده است، ولی به نظر می‌رسد که باید این صنایع را در خدمت همه گروه‌های جامعه با هر شرایط مالی و سنی قرار دهیم و به گونه‌ای باشد که هرکسی بتواند از آن‌ها بهره‌برد و در آن سرمایه‌گذاری کند. همچنین، این صنایع باید به بیان دغدغه‌ها، آرزوها، و قهرمانان مردم بپردازد. تا زمانی که مردمی بودن در حوزه صنایع فرهنگی مورد توجه نباشد طبیعتاً نقش پیشرانی و پشتیبانی آن نیز در انتقال پیام فرهنگی که برگرفته از ارزش‌های اصیل اسلامی و انقلابی است، ناقص و غیرقابل جذابیت بوده و مردم پذیر نخواهد بود.

۲. راهبرد مشارکت: با گسترش فناوری و وسایل ارتباطی، مردم عادی نیز از توانایی تولید فرهنگ برخوردار شده‌اند و این امر سبب شده است که تولید فرهنگ به امری همه‌جایی تبدیل شود و تنها در اختیار دولت‌ها و گروه‌های خاصی نباشد. افزون بر این، برای جذب مخاطب لازم است که مخاطب را در مراحل مختلف صنایع فرهنگی دخیل کنیم تا بتوان بدنه مردمی را به این صنایع جذب کرد. این مشارکت می‌تواند در قالب ایده‌پردازی‌ها در مراحل تولید و ساخت محصولات فرهنگی قرار گیرد. همچنین، مردم می‌توانند بسترهای توزیعی مناسبی را در صنایع فرهنگی فراهم کنند.

۳. راهبرد انطباق: از شروط مهم پیشرانی صنایع فرهنگی در گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی، میزان انطباق محتوای صنایع با ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. مراکز مسئول در این حوزه از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و دانشگاهی نقش مهمی در انطباق‌دهی و ارزیابی میزان تناسب محتوای صنایع فرهنگی با مبانی و مبادی ارزشی انقلاب اسلامی دارند.

۴. راهبرد نوآوری و جذابیت محتوایی: از رموز موفقیت بسیاری از کشورهای فعال در حوزه صنایع فرهنگی جذابیت‌های شکلی و بصری این‌گونه صنایع و محتوایی است که بکار می‌گیرند. نمونه‌ای از این نوآوری‌ها را در ساخت عروسک‌های باب‌اسفنجی و باربی شاهدیم که هر سال به نوآوری و جذابیت‌های آن افزوده می‌شود و همین عامل موجب شده است که

متاسفانه گرایش بسیاری از کودکان به این نوع از عروسک‌های غربی بیشتر از عروسک‌های بومی مانند دارا و سارا، و یا مجموعه عروسک‌های شکرستان و کلاه قرمزی باشد. لذا وقتی صنایع فرهنگی در نقش پیشرانی ترویج گفتمان انقلاب اسلامی ظاهر می‌شوند باید از حداکثر جذابیت و نوآوری برای انتقال مفاهیم ارزشی بهره‌مند باشند. تصویرسازی درست به مخاطب، زمانی به خوبی محقق می‌شود که این جذابیت‌ها، او را به تصویری مطلوب، روشن و قابل درک از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن هدایت کند.

۵. راهبرد دانش‌محوری: دانش و فناوری در تولید محصولات فرهنگی امروزه در جهان مورد توجه صنایع بزرگ فرهنگی است. استفاده از مبانی دانشی و علمی در تولید محصولات فرهنگی موردنیاز به شکل بومی و در تراز ارزش‌های انقلاب اسلامی، پیشرانی این صنایع را در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی تسهیل، رشدپذیر و تحول‌گرا می‌کند.



شکل ۲ - راهبردهای محوری تولید صنایع فرهنگی بومی و ارزشی

و) چه کسی؟ (نگاشت نهادی): راهبردهای پیش‌گفته باید در فرآیند اجراء و اقدام قرار گیرد تا از این طریق چرخه تأثیرگذاری و نقش پیشرانی صنایع فرهنگی

در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی به معنای واقعی در مقام عمل نیز به منصفه ظهور برسد. افراد، گروه‌ها، تشکله‌ها، نهادهای فرهنگی از جمله نگاشت‌های نهادی‌ای هستند که در این خصوص نقش‌پذیری و نقش‌آفرینی دارند. در این پژوهش با مطالعه اسناد و منابع مورد اعتناء، به این‌ها متناسب با هر راهبرد در جدول زیر اشاره می‌شود.

جدول ۳ - نگاشت نهادی

راهبرد	نگاشت نهادی (نقش‌پذیران و نقش‌آفرینان)
مردمی‌بودن	مردم؛ نقش‌پذیر و نقش‌آفرین در تولید صنایع فرهنگی پیشران گفتمان انقلاب اسلامی نهادهای فرهنگی؛ نقش‌پذیر و نقش‌آفرین ظرفیت‌گیری و ظرفیت‌سازی عمومی برای تولید، مصرف و توزیع صنایع فرهنگی
مشارکت	ایده‌پردازان و طراحان؛ نقش‌آفرین در مراحل طراحی و تولید محصولات فرهنگی شرکت‌ها و موسسات خصوصی و دولتی؛ جلب مشارکت‌های مادی و معنوی هم‌افزا در تولید و توزیع صنایع فرهنگی
انطباق	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر بخش‌های فرهنگی حوزه‌های علمی مراکز علمی و دانشگاهی
نوآوری و جذابیت محتوایی	حوزه‌های علمی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، کانون‌ها و موسسات فرهنگی؛ تعامل مؤثر این نهادها با هم در زمینه خلق مفاهیم اولیه موردنیاز محصولات و صنایع فرهنگی نهادهای نظارتی و ارزیاب؛ ارزیابی و نظارت بر محصولات و صنایع فرهنگی داخلی توأم با هم‌افزایی لازم گمرک و نهادهای نظارتی مربوطه؛ نظارت مؤثر بر منع واردات بی‌رویه محصولات و صنایع فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ نظارت مؤثر بر صدور مجوزهای قانونی در تولید و تأمین محصولات و صنایع فرهنگی متناسب با فرهنگ اسلامی نهاد دیپلماسی عمومی و فرهنگی؛ در بازاریابی خارجی و صادرات محصولات و صنایع فرهنگی اتحادیه‌ها و اصناف؛ ارتباطات و شبکه‌سازی صنایع فرهنگی در درون نظام نوآوری
دانش‌محوری	نهادهای حامی کارآفرینی و توسعه فتاوری و اقتصاد دانش‌بنیان مانند مراکز رشد، پارک‌های فتاوری و صندوق‌های توسعه فتاوری؛ در ارتباط مؤثر با کانون‌ها و مراکز تولید و توزیع صنایع فرهنگی

ز) به چه منظور؟ (مطلوب و هدف / چشم‌انداز و آرمان): پس از بیان نقش پذیران و احصاء راهبردهای موثر در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی از طریق نقش پیشرانی صنایع فرهنگی، آرمان و نقطه مطلوب این پیشرانی و پشتیبانی بیان می‌شود. وقتی چنین نسبت و رابطه‌ای بین صنایع فرهنگی و انقلاب اسلامی برقرار شود، وضعیت مطلوبی حاصل می‌شود و اینجاست که نقش صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی بیش از پیش مشخص خواهد شد. از جمله این مطلوب‌ها عبارتند از:

۱. تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: لازمه تحقق این الگو و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی است. ارتباط هدف‌مند و مؤثر صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان پیشران‌های فرهنگی، منجر به رسوخ این الگوی فکری و مکتبی (گفتمان انقلاب) در فکر و جان نخبگان و سپس جوانان و آحاد مردم خواهد شد.

۲. تحکیم فرهنگ عمومی: اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه که از دغدغه‌های اساسی مقام معظم رهبری است، و مشارکت و نقش صنایع فرهنگی در ترویج مبانی نظری و عملی گفتمان انقلاب اسلامی که برگرفته از آموزه‌ها و تعالیم اسلام ناب محمدی(ص) است؛ در تحکیم و بازسازی فرهنگ عمومی جامعه و رشد زمینه‌های فکری و عاطفی مردم نسبت به آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و انقلابی، نقشی ارزنده خواهد داشت.

۳. پیشرفت علمی و فناوری: علوم انسانی و اجتماعی که زمینه‌ساز تحول فکری و اندیشه‌ای جامعه اسلامی می‌تواند باشد، با نقش‌پذیری صنایع فرهنگی و پیشرانی این صنایع در انتشار و انتقال مفاهیم علمی و فناورانه محتوای انقلاب اسلامی، رشد یافته و زمینه‌ساز تولید الگوهای نوینی از علوم اجتماعی و انسانی برای بسط گفتمان انقلاب اسلامی می‌شود.

۴. عدالت محوری: ایفای نقش پیشرانی صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی در توسعه گفتمان عدالت که یکی از دال‌های محوری و فراگیر انقلاب اسلامی است، بسیار مهم و ارزنده خواهد بود. عدالت‌محوری‌ای که یکی

از نقاط بهینه و مطلوب انقلاب اسلامی است و گسترش آن، مبنای تحول انسانی و شد جامعه دینی است.

۵. توسعه فرهنگ دینی و معنویت‌گرایی: صنایع فرهنگی در ایجاد تغییر و تطور فرهنگ دینی با مطلوب‌های ارزشی اسلامی و منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی نقشی مهم و کم‌نظیر دارند. توسعه نقش پیشرانی صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی منجر به سرعت‌بخشی به توسعه فرهنگ دینی و معنویت‌گرایی در جامعه خواهد شد.

۶. جهانی‌شدن: صنایع فرهنگی در تقویت و ماندگاری مبنای فرهنگی و گفتمان انقلاب اسلامی نقش منحصر به‌فردی دارد و شرایط را برای صدور ارزش‌های انقلاب با رویکرد و چشم‌انداز جهانی آماده می‌سازد.

اصول و شاخص‌های اخلاقی و ارزشی صنایع و محصولات فرهنگی:

در جدول زیر بر اساس اندیشه اسلامی و منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی و برگرفته از داده‌های جمع‌بندی شده از آثار مرتبط با موضوع و مبنای نظری و مطالعاتی پژوهش، و مبتنی بر روش داده بنیاد، گزاره‌های توضیحی (۱۵ مورد) و شاخص‌های اخلاقی و ارزشی صنایع و محصولات فرهنگی به تفکیک شاخص‌های تجویزی (۹۵ مورد) و شاخص‌های تحذیری (۳۷ مورد) بیان شده است. ابتناء صنایع فرهنگی به اصول و شاخص‌های مذکور، موجب تحکیم نقش پیشرانی صنایع در ترویج و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی و ثبات اخلاقی و حرفه‌ای این حوزه، متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی است.

جدول ۴ - اصول و شاخص‌های اخلاقی و ارزشی صنایع فرهنگی

اصول	گزاره‌های توضیحی	شاخص‌های تجویزی	شاخص‌های تحذیری
خدا محوری	صنایع فرهنگی باید تجلی‌بخش حاکمیت و محوریت خدا باشند.	تبیین و ترویج معارف، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و قوانین الهی- هم‌راستا با مبانی فکری، گفتمان و ادبیات الهی در نمادها، نموده‌ها و محتوای صنایع فرهنگی - انطباق جهت حرکت، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، طرح‌ها و پیام‌های تولیدی صنایع فرهنگی با اصول، مبانی و ارزش‌های الهی- نشان‌دهنده انگیزه الهی و جلب رضایت الهی- نشان‌گر اعتماد و حسن ظن به وعده‌های الهی- زمینه‌ساز ادراک و احساس خدا حاضری و خدا ناظری در همه فعالیت‌های فردی، اجتماعی - پردازنده نشانه‌های شرک و طاغوت - تقابل با بدعت، انحراف، تحجر و التقاط	پرهیز از انفعال و تسامح در مسیر تحقق اصول و ارزش‌های الهی
آخرت‌گرایی	صنایع فرهنگی باید فانی‌بودن دنیا و جاودانه‌بودن آخرت را بنمایانند و مخاطب را برای آبادانی آخرت و ترجیح آن بر دنیا برانگیزانند.	می‌تین و مروج معارف دینی - مروج ارتباط منطقی میان دنیا و آخرت و نگرش معبر و مزرعه‌بودن دنیا - تجلی‌بخش معادباوری و آخرت‌گرایی- یادآور مرگ و موجب ترجیح سعادت و رفاه جاودانه اخروی بر خوشی‌های دنیوی- مروج فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان افضل الموت - گفتمان‌ساز فانی دنیا و جاویدبودن حیات اخروی - مروج بی‌رغبتی به تعلقات و دلبستگی‌های دنیایی	اجتناب از رواج اشرافیت و رفاه‌زدگی- پرهیز از ترویج رهبانیت و دنیا‌گرایی - اجتناب از انگیزه‌های دنیا‌گرایانه (شهرت‌طلبانه، چاپلوسانه و...)
ولایت‌مداری	در صنایع فرهنگی فرامین، تدابیر، انتظارات، رهنمودهای امامین انقلاب اسلامی مبنا و محور باشد.	می‌تین و مروج ولایت‌مداری- موجب تقویت و تعمیق پیوند امت و امام- نهادینه‌ساز گفتمان ولایت فقیه - انطباق با دیدگاه‌ها و مواضع مقام ولایت - حفاظت از فداست و حریم ولی فقیه	اجتناب از برداشت‌های ناصحیح از دیدگاه‌ها و سیره مقام ولایت
تکلیف‌گرایی	در جهت‌گیری‌های صنایع فرهنگی احکام، موازین شرعی، تدابیر، فرامین رهبری و قوانین مصوب مبنا باشد.	ابتناء بر تکلیف‌شناسی عالمانه، روش‌مند و براساس حجت‌های روشن (حجت‌داشتن برای هر عمل) - انطباق با احکام، موازین شرعی، فرامین، سیاست‌ها، قوانین و مقررات- مقیدبودن به عمل و تکالیف؛ بدون ملاحظه کاری و نتیجه‌گرایی مطلق در عرف معمول جامعه مخاطبان - می‌تین و مروج تکلیف‌گرایی	می‌زا از تساهل و تسامح نسبت به تکالیف شرعی و حقوق انسانی

اصول	گزاره‌های توضیحی	شاخص‌های تجویزی	شاخص‌های تحذیری
عمل انقلابی	صنایع فرهنگی، پیش‌رونده، پیش‌برنده و تحول‌آفرین است.	پرشتاب و در عین‌حال به هنگام و متناسب‌بودن با نیازهای جامعه مخاطب - مبتنی بر رصد کامل و مستمر مسائل فرهنگی داخلی، منطقه‌ای و جهانی مرتبط با انقلاب اسلامی- فعال و تأثیرگذار نسبت به پدیده‌های فرهنگی- انجام اقدامات پیش‌دستانه در صحنه‌های فرهنگی- ظرفیت‌ساز و توانا در مقابله با تهدیدات و تهاجم فرهنگی دشمن- تلاش مضاعف، کم‌هزینه و پرفایده - ابتناء بر خلاقیت و همراه با نوآوری - برداشتن موانع فرهنگی از سر راه تحقق اهداف ارزشی - فراهم‌کننده زمینه عمق‌بخشی فرهنگی انقلاب اسلامی	میرا از هرگونه افراط و تفریط - پرهیز از هرگونه بی‌انضباطی و قانون‌گریزی- اجتناب از شتاب‌زدگی- میرا از انفعال و محافظه‌کاری
اخلاق حرفه‌ای	در صنایع فرهنگی و اخلاق حرفه‌ای و اسلامی محور و حاکم باشد.	رعایت اخلاق اسلامی (صداقت، حیا، عفت، عدالت، وفای به عهد و پیمان، انصاف، وجدان‌کاری، امانت‌داری و...) - ترویج اخلاق اسلامی (صداقت، حیا، عفت، عدالت، وفای به عهد و پیمان، انصاف، وجدان‌کاری، امانت‌داری و...)	پرهیز از رذایل اخلاقی (نفاق، تهمت، فریب، بدگویی، افشای اسرار، منفی‌بافی و سیاه‌نمایی، اغراء به جهل و کتمان حق و...) - اجتناب از بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای غیراخلاقی و غیرشرعی
مردمی بودن	مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در عرصه صنایع فرهنگی تسهیل و تأکید شود.	ایجادکننده و تقویت‌کننده انگیزه در مردم برای حضور در صحنه‌های انقلاب - زمینه‌سازی و ایجاد ظرفیت فرهنگی برای ایفای نقش مردم در دفاع (نظامی، امنیتی، فرهنگی) از انقلاب اسلامی - بهره‌گیری و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی مردم و تولیدات فرهنگی آنان - هدایت و حمایت از تولیدات فرهنگی مردمی هم‌سو با انقلاب - فراهم‌ساز زمینه‌های ارتقاء سطح فرهنگ اسلامی و انقلابی در جامعه- حمایت و دفاع از حقوق آحاد مردم در چارچوب قوانین و مصالح نظام - ترجیح منافع و مصالح عامه مردم بر منافع طبقات و قشرهای خاص	پرهیز از موجبات تحقیر مردم و استهزاء و توهین به آداب، رسوم و گویش‌های رایج اقوام، مذاهب و خرده فرهنگ‌ها - اجتناب از رفتار آمرانه با مخاطب

شاخص‌های تحذیری	شاخص‌های تجویزی	گزاره‌های توضیحی	اصول
<p>پرهیز از بیان مطالب دور از ذهن مخاطبین در مورد اولیاء الهی - پرهیز از بیان مطالب و تعبیر نامناسب و غلوآمیز در مورد بزرگان دین - پرهیز از بیان مطالب تفرقه‌انگیز در مورد مذاهب اسلامی</p>	<p>افزایش و گسترش انس با قرآن و عترت - نمایان‌گر معارف قرآن و ولایت - اهتمام لازم به حفظ قرآن و تربیت حافظان - تلاش برای شناساندن قرآن کریم- گسترش تدبیر در قرآن کریم- اهتمام لازم نسبت به قرائت قرآن و تربیت قاریان- اهتمام به معرفی و حمایت و نشر آثار قرآنی و ولایی- تحکیم و تقویت تولی و تبری- تقویت زیارت، بزرگداشت و توسل به اهل بیت علیهم السلام - تبیین شئون، نقش‌ها و ویژگی‌های امامان معصوم علیهم السلام - گفتمان‌سازی الگوگیری از ائمه علیهم السلام در سیره و سبک زندگی - تقویت مطالعه و تدبیر در سیره و منش ائمه علیهم السلام</p>	<p>صنایع فرهنگی باید در محتوا، شکل و روش، مروج قرآن و عترت باشد.</p>	<p>ترویج تفلین</p>
<p>جلوگیری از ایجاد روحیه انزواگرایی و منفی‌بافی در جامعه هدف</p>	<p>کمک به تثبیت، تعمیق، توسعه و ارتقاء ارزش‌های اسلامی و انقلابی در جامعه هدف- تلاش در معرفی سبک زندگی اسلامی در جامعه هدف و پیاده‌سازی آن - حمایت و هدایت از کانون‌ها و تشکل‌های فرهنگی مردم نهاد هم‌سو با انقلاب اسلامی- تقویت و توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر- توسعه و تعمیق فرهنگ بسیجی - آگاه‌سازی جامعه هدف نسبت به انحرافات، آسیب‌ها و تهدیدهای فرهنگی- توسعه گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی در میان نخبگان و گروه‌های مرجع فکری و فرهنگی جامعه</p>	<p>صنایع فرهنگی باید تاب‌آوری فرهنگی لازم برای نفوذناپذیری در مقابل آسیب‌ها، تهدیدات و انحرافات را دارا باشد.</p>	<p>مصونیت بخشی</p>
<p>پرهیز از سطحی‌نگری و خودشیفتگی در مواجهه با قوت‌های محیط داخل - پرهیز از ساده‌انگاری، و کم اهمیت دانستن نقاط ضعف عمومی جامعه مخاطب - پرهیز از کوچک‌انگاری تهدیدهای موجود در محیط خارجی - پرهیز از غفلت در بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارجی</p>	<p>شناخت کافی نسبت به وضعیت محیط داخلی و ذائقه مخاطبان - شناخت لازم نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی - تحلیل درست نسبت به روند فرهنگی در محیط داخلی و خارجی - آینده‌پژوهی نسبت به جریان‌ها و پدیده‌های فرهنگی موفق، مخالف و معاند - برآورد و پیش‌بینی نسبت به توان دشمن در اعمال اراده و اجرای طرح‌های فرهنگی - برآورد و تعیین موقعیت توان جبهه فرهنگی خودی در حوزه صنایع فرهنگی</p>	<p>شناخت، ارزیابی و تحلیل عوامل محیطی موثر بر فرهنگ از طریق صاحبان صنایع فرهنگی</p>	<p>وضعیت‌سنجی و ذائقه‌شناسی</p>

اصول	گزاره‌های توضیحی	شاخص‌های تجویزی	شاخص‌های تحذیری
فراگیری و گستردگی	صنایع فرهنگی همه موضوعات، ابزارها و عرصه‌های جغرافیایی، انسانی و هویتی جامعه را در بر بگیرد.	در برگیرنده همه افراد و اقشار - در برگیرنده (بر حسب نیاز و امکان) همه مناطق کشور - در برگیرنده همه موضوعات (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و...) - استفاده (برحسب نیاز و امکان) از همه ابزارها و روش‌های نوین فرهنگی (هنری، ادبی، تبلیغی، اطلاع‌رسانی، عملیات روانی و...)	پرهیز از تمرکزگرایی و نادیده‌انگاری عرصه‌های پیرامونی - پرهیز از تک‌بعدی بودن صنایع فرهنگی - پرهیز از عدم توجه به هویت‌های فرهنگی قومی و منطقه‌ای
انقلاب‌محوری	تولیدات صنایع فرهنگی در نسبت با پدیده‌ها، حرکت‌ها و جریان‌های فکری و فرهنگی داخلی و خارجی بر محور انقلاب اسلامی باشند.	تعامل مثبت و مؤثر، خیرخواهانه، صمیمانه و نقد منصفانه صاحبان صنایع فرهنگی با دستگاه‌ها، نهادها و ارگان‌های رسمی - تعامل و حمایت از جریان‌ها و حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی هم‌سو با انقلاب اسلامی - تعامل و حمایت از مراجع فکری، فرهنگی و دینی هم‌سو با انقلاب اسلامی - تقابل با عناصر، جریان‌ها، حرکت‌های فرهنگی اجتماعی مقابل و معارض انقلاب اسلامی	اجتناب از گروه‌گرایی و وابستگی به جریان فکری فرهنگی خاص - پرهیز از مناقشات فرهنگی و اجتماعی فرعی و غیراصولی - پرهیز از ایجاد بدبینی و اختلاف‌افکنی - پرهیز از افراط و تفریط در مرزبندی میان جریان‌های فرهنگی
نشاط و امیدآفرینی	برانگیختگی و خوش‌بینی و امیدآفرینی به آینده در صنایع فرهنگی لحاظ شود.	ارائه تصویر روشنی از جامعه مطلوب بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - نشان‌دادن موفقیت‌ها نظام در تمام عرصه‌ها (علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، دفاعی، امنیتی و...) - برگزاری باشکوه و جذاب آیین‌ها و مناسبت‌های مذهبی، انقلابی و ملی - نقش‌آفرینی ترویجی و حمایتی نسبت به برگزاری اجتماعات و تظاهرات مذهبی و انقلابی - نقش‌آفرینی ترویجی و حمایتی نسبت به برگزاری جشنواره‌های هنری، ورزشی، علمی، اقتصادی (کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در تولید) - بهره‌برداری و تکریم لازم از نمادها و الگوهای سرآمد در موفقیت‌های هنری، علمی و اجتماعی - آشکارنمودن برتری داشته‌ها و ارزش‌های جامعه اسلامی در مقایسه با سایر جوامع - رعایت الگوی شادی و نشاط اسلامی	اجتناب از منفی‌بافی و سیاه‌نمایی در مورد کارکردهای انقلاب و نظام - پرهیز از بدعت، خرافه، التقاط و انحراف - اجتناب از لهو و لعب، هجو، هرزه‌گویی، بطالت و استهزاء

اصول	گزاره‌های توضیحی	شاخص‌های تجویزی	شاخص‌های تحذیری
عفتابیت و اعتدال	رویکرد و رفتار عالمانه، منطقمدارانه، مصلحت‌گرایانه و متوازن مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در صنایع فرهنگی حاکم باشد.	ابتناء بر تعهد، دانش، تخصص، مهارت و مشورت - انکاء بر آینده‌نگری و موقعیت‌شناسی (رفتار راهبردی)- همراهی مشفقانه با سنت‌ها، آداب، آیین‌ها و خرده فرهنگ‌های اقوام، اقشار و مناطق - ابتناء بر نگاه توأمان آرمان‌گرایی و واقع‌بینی - توجه به شعارها و شعائر در عین عمق‌گرایی - اهتمام نظام‌مند (منظومه‌وار) به همه ارزش‌های اسلامی- مروج آزاداندیشی، نوآوری، نقدپذیری، سعه صدر، تجربه‌اندوزی و عبرت‌آموزی	پرهیز از ارائه مطالب سست و دور از ذهن - پرهیز از تساهل و تسامح در رعایت و ترویج اصول، ارزش‌ها و موازین اسلامی
یکپارچه‌نگری هویت اسلامی و ایرانی	صنایع فرهنگی به اصول، ارزش‌ها و هنجارهای دارای قابلیت سازگاری با هویت اسلامی و ایرانی ابتناء داشته باشد.	ترویج اصول، ارزش‌ها و سنت‌های در هم تنیده با فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی- ترویج ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ و هویت اسلامی و ایرانی دارای قابلیت سازگاری با یکدیگر- ترویج الگوها، نمادها و اسطوره‌های اسلامی ایرانی- ترویج احساس تعلق به فرهنگ اسلامی ایرانی در روش زندگی - مقابله با ضدارزش‌ها	اجتناب از بی‌احترامی به تفاوت‌های قومی و زبانی (خرده فرهنگ‌ها) - اجتناب از ترویج نمادهای غیراسلامی و غیرایرانی (نمادهای فرهنگ بیگانه) - پرهیز از ایجاد تعارض میان فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی

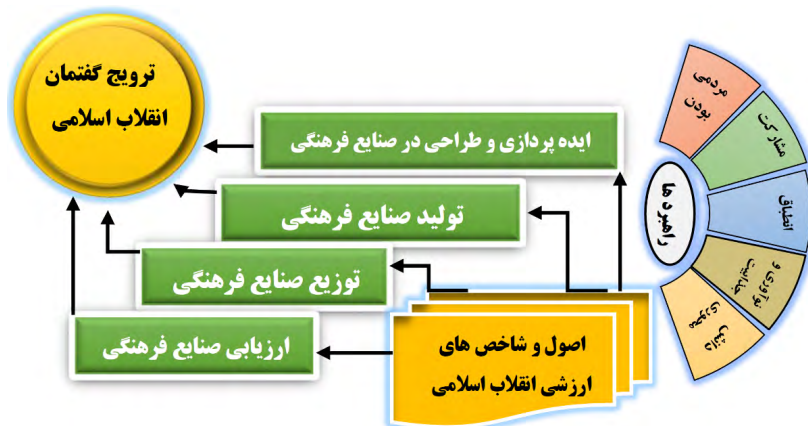
نتیجه‌گیری

گفتمان‌ها برای حفظ بقا و بسط خود نیازمند تولید و بازتولید دائمی هستند و این مساله در مورد گفتمان انقلاب اسلامی که بر اصالت فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی استوار است، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آموزه‌هایی که خداوند متعال آن را برنامه‌ای جامع برای طول تاریخ حیات بشری معرفی کرده و اصول و قواعد آن را در قرآن کریم و آموزه‌های دینی مورد تاکید قرار داده است. در همین راستا کمک به معنابخشی مفاهیم و دال‌های انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین کارکردهای صنایع فرهنگی به عنوان پیشرانی مهم در ترویج مبانی ارزشی، و عاملی ارزش‌مند در جهت افزایش قدرت گفتمانی انقلاب اسلامی است. به بیان دیگر صنایع فرهنگی نقش بسزایی در بسط مفاهیم ارزشی انقلاب اسلامی حول دال‌های مرکزی آن دارند تا اولاً این گفتمان در دوره‌های مختلف حیات خود دچار

رسوب‌زدگی و رکود نشده و جذابیت خود را در رقابت با سایر گفتمان‌ها از دست ندهد و ثانیاً با کمک به معنادگی و تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های جدید فرهنگی از مبانی انقلاب اسلامی، منجر به بسط گفتمانی و روزآمدسازی آن گردد.

از طرفی صنایع فرهنگی امروزه، به دلیل داشتن دو وجه کارکردی مهم، یعنی حفظ و گسترش فرهنگ خودی و به همراه داشتن چشم‌انداز رشد اقتصادی، مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته و به همین دلیل، در این کشورها سیاست‌گذاری صنایع فرهنگی، بعدی محوری یافته است و این سیاست‌گذاری در جامعه ما می‌تواند افزون بر حفظ و گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی، رشد و بالندگی اقتصادی را نیز برای کشورمان به ارمغان آورد و به همین سبب باید یک ضرورت تلقی شود. هر چقدر زمینه‌های تولید و رشد صنایع فرهنگی بر مبنای ارزش‌های اسلامی-انقلابی و مبتنی بر منویات امامین انقلاب و اصول و شاخص‌های اخلاقی و ارزشی حرفه‌ای، تأمین و تمهید شود، به همان اندازه، تبلیغ و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی نیز تسهیل شده، و صدور انقلاب اسلامی نیز روندی مانا و جهان‌شمول‌تر خواهد داشت.

در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از داده‌های قابل اعتناء از منابع مطالعاتی مختلف و مبانی فکری مقام معظم رهبری و نظرات برخی صاحب‌نظران و فعالان عرصه صنایع فرهنگی، اصول و شاخص‌های محوری صنایع فرهنگی در تاثیرگذاری نقش پیشرانی و پشتیبانی صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، بیان گردد. اصول ۱۵ گانه و شاخص‌های ۱۳۲ گانه تجویزی و تحذیری (بایدها و نبایدها در حوزه صنایع فرهنگی پیشران گفتمان انقلاب اسلامی) که اگر صنایع و محصولات فرهنگی از مرحله طراحی و تولید تا توزیع و ارزیابی، مبتنی بر آن‌ها تبلور یابند؛ طبیعتاً نقش پیشرانی آن در بازتولید و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی نیز بیشتر محقق خواهد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش و مبتنی بر راهبردهای پنج‌گانه و اصول و شاخص‌های ارزشی و اخلاقی صنایع فرهنگی (اصول ۱۵ گانه و شاخص‌های ۱۳۲ گانه) الگوی مفهومی نقش پیشرانی صنایع فرهنگی در ترویج و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی به شکل زیر ترسیم و ارائه می‌گردد.



شکل ۳ - الگوی مفهومی نقش پیشرانی صنایع فرهنگی در ترویج گفتمان انقلاب اسلامی

پیشنهاد‌های کاربردی به تصمیم‌سازان و فعالان حوزه صنایع فرهنگی

با عنایت به واکاوی و دریافت‌های تحلیلی از سیر پژوهش حاضر، پیشنهاد‌های کاربردی و چاره‌ساز حوزه صنایع فرهنگی در قالب عناوین زیر ارائه می‌گردد. بدیهی است هر یک از فرازهای ذکر شده می‌تواند ایده و موضوع پژوهشی در این حوزه باشد و با مبادرت به آن، منظومه ادبیات موردنیاز حوزه صنایع فرهنگی را تقویت نماید:

۱. ابتناء حداکثری در تولید صنایع فرهنگی پیشران و پشتیبان گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس شاخص‌ها و اصول ارزشی و هنجارهای بومی و اسلامی.
۲. استفاده از ظرفیت‌های مردمی در قالب ایده‌پردازی‌ها در مراحل تولید و مصرف محصولات و صنایع فرهنگی.
۳. تلاش جدی برای انطباق محتوای صنایع فرهنگی و خلاق با ارزش‌های اسلامی و انقلابی از طریق بخش‌های مربوطه.
۴. استفاده کاربردی از ظرفیت مراکز علمی و دانشگاهی در ایجاد نوآوری و خلاقیت‌های هنری مرتبط با حوزه صنایع فرهنگی.

۵. گسترش جذابیت‌های شکلی و بصری صنایع فرهنگی و توسعه کیفی و محتوایی آن‌ها.
۶. تقویت سطح تعامل مؤثر حوزه و دانشگاه با کانون‌ها و مؤسسات فرهنگی در زمینه خلق مفاهیم و تولید محتوای اولیه مورد نیاز.
۷. گسترش نظارت مؤثر بر واردات محصولات و صنایع فرهنگی.
۸. تقویت کارکرد مؤثر نهاد دیپلماسی عمومی و فرهنگی در بازاریابی خارجی و صادرات محصولات و صنایع فرهنگی.
۹. ارتباط مؤثر کانون‌ها و مراکز صنایع فرهنگی با نهادهای حامی کارآفرینی و توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان مانند مراکز رشد، پارک‌های فناوری و صندوق‌های توسعه فناوری.
۱۰. استفاده از مبانی دانشی و علمی در تولید محصولات فرهنگی مورد نیاز به شکل بومی و در تراز ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی.
۱۱. عملیاتی‌سازی شورای عالی صنایع فرهنگی و خلاق در کشور.
۱۲. آموزش مهارت‌های صنایع فرهنگی و اجرای دوره‌ها، نشست‌های تخصصی برای صاحبان صنایع فرهنگی و ایده‌پردازان این حوزه برای فهم مشترک مبانی و اصول حرفه‌ای تولید صنایع فرهنگی ارزش‌محور و تعالی‌بخش در تراز گفتمان انقلاب اسلامی.

منابع

۱. مقام معظم رهبری (مدظله العالی). مجموعه بیانات. قابل دسترس در وبگاه www.khamenei.ir:
۲. از صنایع فرهنگی تا صنایع خلاق (۱۳۸۷)، اداره کل تبلیغات اسلامی قم
۳. پوررجبی، میلاد؛ میرزایی، حسین؛ یداللهی‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۸). راهبردهای برنامه‌ریزی صنایع فرهنگی بومی؛ رویکردها، اصول، و الگو. فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۸، شماره ۳، صفحه ۹۷ تا ۱۲۵.
۴. پیروزمند، علیرضا؛ جهانبخش، عباس. (۱۴۰۲). مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی اسلامی. مجله کتاب نظریه. شماره سوم. چاپ نخست. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی (صدرا).
۵. ذوعلم، علی. (۱۳۹۲). فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۷)، راهکارهای عدالت اجتماعی در نظام اسلامی، قم: کانون اندیشه جوان
۷. قاضی‌نوری، ملکی‌فر، قانع‌راد، موسوی. (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل رویکردهای موجود و مطلوب در صنایع فرهنگی کشور براساس دیدگاه‌های دین‌فغان. فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، سال ۸، شماره ۲۶، صفحه ۱۷ تا ۳۹.
۸. قلعه‌نویی، محمود (۱۳۹۴)، بازآفرینی شهری از طریق محله‌های فرهنگی برای حضور در صنایع خلاق، شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۱
۹. قلعه‌نویی، محمود؛ خان‌محمدی، مرجان. (۱۳۹۴). بازآفرینی شهری از طریق تبیین محله‌های فرهنگی برای حضور در صنایع خلاق. فصل‌نامه شهر پایدار، سال دوم، شماره یک، صفحه ۴۹ تا ۷۷.

۱۰. نیاتیان، محمداسماعیل. (۱۴۰۰). گفتمان انقلاب اسلامی و مواجهه با چالش بدیل‌سازی. فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره یک، صفحه ۷ تا ۳۰.
۱۱. نظری‌زاده، فرهاد؛ میرشاه‌ولایتی، فرزانه. (۱۳۹۴). مدل نظام نوآوری محصولات فرهنگی. فصل‌نامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۳۱، صفحه ۳۷ تا ۷۲.
۱۲. نوروزی، محمدجواد. (۱۳۸۲)، تبیین نظریه مردم‌سالاری دینی در قیاس با دمکراسی غربی، چکیده مقالات همایش مردم‌سالاری دینی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

UNCTAD (2008). "Creative Econor Report". Available at: https://unctad.org/en/docs/tdr2008_en.pdf